Iranian Journal of Public Policy
2026 , Vol. 12 , No. 1 , 303-317
Online ISSN: 2538-5089
Home Page: jppolicy.ut.ac.ir

REVIEW ARTICLE

Path-Dependence of Informal Institutions on Population Policy-Making (A Comparative Study of Sweden, Finland, and Norway)

Zahra Kheiridoust[1*], Niloufar Moghaddami[2]

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences and Population Studies, Women's Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran
* Corresponding Author's Email: z.kheiridoust@alzahra.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Family Law Studies, Women's Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran
Email: n.moghaddami@alzahra.ac.ir

https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106385

Received: 20 August 2025
Accepted: 22 November 2025

ABSTRACT

The present study compares population policies in three countries: Sweden, Finland, and Norway, emphasising the role of culture. The necessity for research is driven by the issue of population decline in Iran and the failure to achieve replacement rates, which necessitates the study of successful policies. Nevertheless, the mere study of policies is insufficient. The fundamental question pertains to the identification of both similarities and differences in population policy in these countries, as well as the cultural origins (informal institutions) of path dependency in formulating these policies. A comparative methodology was employed, encompassing the analysis of pertinent official documents in the theoretical framework of New Institutional Economics. The results indicated that the policymaking process in all three countries is influenced by shared cultural values, particularly "gender equality" and"universalism". However, a distinction emerged in the emphasis placed on specific values: namely, Sweden emphasised collectivism and equality, Finland emphasised choice and family orientation, and Norway emphasised pragmatism and balance. The policies have been shown to reduce the opportunity cost of childbearing, thus contributing to an increase in female employment and an enhancement of work-family balance. The findings emphasise the importance of culture and stakeholder participation in effective policymaking in Iran.

Keywords:. Comparative Study, Population Economics, Informal Institutions, Policymaking, Work-Life Balance.

Citation: Kheiridoust, Zahra; Moghaddami, Niloufar (2026). Path-Dependence of Informal Institutions on Population Policy-Making (A Comparative Study of Sweden, Finland, and Norway). *Iranian Journal of Public Policy,* 12 (1), 303-317.
DOI: https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106385

Published by University of Tehran

This Work Is licensed under a CreativeCommons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0)

فصلنامه سیاستگذاری عمومی

دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵. صفحات ۳۱۷-۳۰۳

شاپا الکترونیکی: ۵۰۸۹ - ۲۵۳۸

آدرس سایت: jppolicy.ut.ac.ir

مقاله مروری

وابستگی به مسیر نهادهای غیررسمی در سیاستگذاری جمعیتی: مطالعه تطبیقی سوئد، فنلاند و نروژ

زهرا خیری دوست[1*]، نیلوفر مقدمی[2]

۱. استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و جمعیت، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

* رایانامهٔ نویسنده مسئول: z.kheiridoust@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه مطالعات حقوق خانواده، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

رایانامه: n.moghaddami@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۹ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱ آذر ۱۴۰۴

https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106385

چکیده

این پژوهش به مقایسه سیاست‌های جمعیتی در سه کشور سوئد، فنلاند و نروژ با تأکید بر نقش فرهنگ می‌پردازد. ضرورت تحقیق از عدم موفقیت سیاست‌های جمعیتی برای دستیابی به نرخ جایگزینی برآمده که مطالعه سیاست‌های موفق جمعیتی را ضروری می‌سازد. با این حال، مطالعه مفاد سیاست‌ها به تنهایی کافی نیست و بسترهای فرهنگی جامعه مبدأ و مقصد نیز مهم است. سؤال پژوهش این است که اشتراکات و تمایزات سیاست‌های اسکاندیناوی چه تأثیری از زمینه فرهنگی یا همان نهادهای غیررسمی پذیرفته است. این پژوهش با روش مطالعه تطبیقی و تمرکز بر اسناد رسمی و در چارچوب نظری نهادگرایی که تأثیر تاریخ و ارزش‌های اجتماعی بر سیاستگذاری را برجسته می‌کند صورت گرفت. نتایج نشان داد که سیاستگذاری در هر سه کشور از عناصر فرهنگی مشترکی چون «برابری جنسیتی» و «همگانی‌بودن» متأثر است و به طور خاص جمع‌گرایی در سوئد، انتخاب و خانواده‌گرایی در فنلاند و عمل‌گرایی و تعادل در نروژ بر سیاستگذاری متفاوت میان آن‌ها اثرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، اقتصاد جمعیت، نهادهای غیررسمی، سیاست‌گذاری، وابستگی به مسیر.

استناد: خیری دوست، زهرا؛ مقدمی، نیلوفر (۱۴۰۵). وابستگی به مسیر نهادهای غیررسمی در سیاستگذاری جمعیتی: مطالعه تطبیقی سوئد، فنلاند و نروژ. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۲ (۱)، ۳۱۷-۳۰۳.

DOI: https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106385

ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

سیاست‌های جمعیتی از جمله ابزارهای کلیدی دولت‌ها برای مواجهه با چالش‌های جمعیتی نظیر کاهش نرخ باروری و پیری جمعیت هستند. در ایران، با وجود تلاش‌های متعدد برای افزایش نرخ باروری و دستیابی به نرخ جایگزینی، نتایج حاصل چندان موفق نبوده و چالش پیری جمعیت و بسته شدن پنجره جمعیتی نگرانی‌هایی را به دنبال داشته است. این امر لزوم بازنگری در رویکردهای سیاستگذاری را برجسته می‌سازد. در این زمینه بررسی سیاست‌های موفق جمعیتی در سایر کشورها ضروری است. در میان کشورهای جهانی، برخی از دول حوزه اسکاندیناوی به دلیل موفقیت در طراحی و اجرای سیاست‌های جمعیتی که همزمان به افزایش باروری، اشتغال زنان و تعادل کار–خانواده کمک کرده‌است، الگویی قابل‌تأمل ارائه می‌دهند. سوئد، نروژ و فنلاند قادر بوده‌اند برای سه دهه نرخ باروری بالای ۱,۵ را با اشتغال در حدود ۸۰ درصدی زنان حفظ کنند. با لحاظ این ضرورت، برخی پژوهش‌های داخلی سیاست‌های اجرا شده در کشورهای اسکاندیناوی را مورد بررسی قرار داده‌اند(Aghaei et all, 2023)، اما این پژوهش‌ها بیشتر با نگاهی کلی به سیاست‌ها نگریسته‌اند. همچنین پژوهش‌های متعدد بین‌المللی نیز به بررسی سیاست‌های جمعیتی در کشورهای اسکاندیناوی اختصاص یافته‌اند که از آن میان می‌توان به مطالعه سیاست‌های جمعیتی فنلاند تا قرن بیستم (Hulkko, 1979)، مطالعه مرخصی والدین در فنلاند در دهه ۱۹۷۷ الی ۲۰۱۹ (Moring & Lammi-Taskula, 2021)، مطالعه سیاست مرخصی پدران در سوئد (Ekberg et all, 2013)، مقایسه اثر سیاست‌های سخاوتمندانه خانواده بر افزایش باروری در دو کشور فنلاند و نروژ (Rønsen, 2004)، مقایسه مرخصی پدران در کشورهای نوردیک (Windwehr et all, 2022) و مقایسه سیاست مرخصی زایمان در ایسلند، سوئد و نروژ (Duvander et all, 2019) اشاره نمود. این مطالعات غالباً به ظاهر قوانین توجه کرده و به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اهداف متنوع سیاست‌های جمعیتی توجهی نشان نداده‌اند. مطالعه تطبیقی قوانین و سیاست‌ها را نمی‌توان بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و تاریخی کشور مبدأ و مقصد به کار گرفت؛ چراکه قوانین رسمی ممکن است به‌راحتی منتقل شوند، اما فرهنگ به علت وابستگی به مسیر، احتمالاً با تغییر قوانین همراه نمی‌شود. در این صورت در اثر تفاوت میان فرهنگ بومی و نهادهای قانونی اصلاح‌شده، تعاملی متضاد بین نهادهای وارداتی و فرهنگ محلی به وجود می‌آید. همچنین، اصلاحات می‌تواند به‌گونه‌ای انجام شود که کشور را به نهادهای ناکارآمد مقید کند، درحالی‌که امکان استفاده از نهادهای کاراتر برای آن وجود داشته است. این اصلاحات ممکن است وابستگی به مسیر جدیدی را شکل دهد و بر مشکلات موجود بیفزاید (Khairidoust, 2021B). بدین ترتیب مطالعه تطبیقی باید با مطالعه عناصر فرهنگی و اجتماعی کشور مبدأ و مقصد همراه باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پرکردن خلأ پژوهش‌های موجود، سیاست‌های اجراشده در سوئد، نروژ و فنلاند را با رویکرد تطبیقی–زمینه‌ای بررسی کرده و نقاط اشتراک و تفاوت آن‌ها را شناسایی نموده است. مسئله این پژوهش بررسی چگونگی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر سیاست‌های جمعیتی و اثرگذاری عناصر وابستگی به مسیر در تدوین سیاست‌هاست و به این سؤال پاسخ داده می شود که اشتراکات و تمایزات سیاست‌های اسکاندیناوی چه تأثیری از زمینه فرهنگی یا همان نهادهای غیررسمی پذیرفته است.

مبانی نظری

به نقل از نورث، مفهوم وابستگی به مسیر، ابتدا توسط برایان آرتور (۱۹۸۸، ۱۹۸۹) و پاول دیوید (۱۹۸۵) برای تحلیل تحولات فناوری مطرح و بعداً برای تبیین تغییرات نهادی به کار گرفته شد (cited in North,1991). در این دیدگاه، نهادها شامل قواعد رسمی (مانند قوانین، مقررات و سیاست‌ها)، هنجارهای غیررسمی (مانند فرهنگ و ارزش‌ها) و سازوکارهای اجرایی مرتبط با آن‌ها تعریف می‌شوند. وابستگی به مسیر به چگونگی پیوند گذشته با حال و آینده از طریق نهادها اشاره دارد. وابستگی به مسیر به فرآیند تکامل تدریجی نهادها دلالت می‌کند که در آن، چارچوب‌های نهادی گذشته، فرصت‌هایی را برای سازمان‌های کنونی و کارآفرینان سیاسی یا اقتصادی فراهم می‌آورند. ماتریس نهادی، شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته از نهادها و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی برخاسته از آن‌هاست که با بازده‌های فزاینده مشخص می‌شود (North,1991). بااین‌حال، اگر وابستگی به مسیر تنها به این امر محدود بود،

در صورت ناکارآمدی نهادها، امکان تغییرات اساسی وجود داشت. اما نهادهای انباشته‌شده، سازمان‌هایی را پدید می‌آورند که بقای آن‌ها به تداوم این نهادها وابسته است. این سازمان‌ها منابعی را برای جلوگیری از تغییراتی که بقای آن‌ها را تهدید می‌کند، به کار می‌گیرند. افزون بر این، سیستم اعتقادی زیربنای ماتریس نهادی نیز مانع از تحولات بنیادین می‌شود (North,2005:77). از این‌رو، وابستگی به مسیر سبب می‌شود که انتخاب‌های کنونی تحت تأثیر میراث نهادی گذشته، باورها، ارزش‌ها و عادات جامعه محدود شوند. این محدودیت‌ها، تغییر مسیرهای ناکارآمد را دشوار می‌سازند و برخی آن را مانعی برای سیاستگذاری موفق می‌دانند (Ranjbar, 2021). بااین‌حال، وابستگی به مسیر همواره بازدارنده نیست. این مفهوم می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی فرهنگی برای اجرای موفق قوانین و سیاست‌ها باشد. نهادهای موجود، از جمله ارزش‌های فرهنگی، انتخاب‌های ما را محدود می‌کنند، اما با انتخاب‌هایی که به‌تدریج سیاست‌ها را تغییر می‌دهند، واقعیت نیز دگرگون می‌شود. این دگرگونی، به‌نوبه‌خود، بر سیستم اعتقادی جامعه اثر می‌گذارد. این چرخه پویا از زمانی که انسان‌ها به شکل‌دهی سرنوشت خود روی آوردند، ادامه یافته است (North,2005:21). هنگامی که فرهنگ، انتخاب‌ها را محدود می‌کند، قوانینی که ریشه در فرهنگ جامعه نداشته باشند، مورد پذیرش و اجرا قرار نمی‌گیرند. برکوویتز و همکاران (۲۰۰۳) این پدیده را «اثر پیوند»[1] و لوی و اسپیلر (۱۹۹۴) آن را «برازش خوب»[2] نامیده‌اند (Kheiridoust et all,2021A). بنابراین، سیاستگذاری موفق نیازمند توجه به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این جزئیات، سیاست‌های مؤثری تدوین کرد. در این مقاله، مفهوم وابستگی به مسیر به کار گرفته شده است تا نشان دهد چگونه سیاست‌های خانواده در کشورهای اسکاندیناوی با مسیر فرهنگی و ارزشی این کشورها هم‌راستا و وابسته بوده است.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش مطالعه تطبیقی است. مطالعه تطبیقی به تحلیل پدیده‌ها و مقایسه آن‌ها برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌پردازد (Zarandi, 2024). در این راستا روش حقوق تطبیقی، به مقایسه قوانین و نظام‌های حقوقی دو یا چند کشور می پردازد و نوعی تحلیل کیفی به‌شمار می‌آید. روش‌های مختلفی برای این کار وجود دارد. برخی تنها به متن قوانین توجه می‌کنند، اما مقایسه ظاهری قوانین به‌تنهایی کافی نیست و ممکن است به وضع قوانینی منجر شود که اجرایی نیستند یا کشور را به نهادهای ناکارآمد مقید می‌کنند (Kheiridoust et all,2021B). به همین دلیل، در روش‌های کارکردگرا و زمینه‌گرا، علاوه بر قوانین، به کارکردها، نهادها و شرایط اجتماعی نیز توجه می‌شود تا راه‌حل‌های قانونی در بستر محیطی و اجتماعی بررسی شوند و شباهت یا تفاوت ساختارهای اجتماعی جوامع مورد مطالعه ارزیابی گردد. روش تطبیقی می‌تواند یک یا چند مورد را دربر بگیرد. رویکرد چندموردی این مزیت را دارد که امکان شناسایی الگوها را فراهم می‌کند و نسبت به مطالعه تک‌موردی دقیق‌تر است. همچنین، در مقایسه با مطالعات گسترده، امکان تحلیل عمیق‌تر را می‌دهد و به پژوهش‌های جامع‌تری منجر می‌شود (Pourmohammadi, 2024). داده‌ها از آخرین تغییرات قانون محیط کار نروژ[3]، مؤسسه بیمه اجتماعی فنلاند[4]، مؤسسه بیمه ملی سوئد[5] مؤسسه ملی آموزش سوئد[6](۲۰۲۲)، آمار مرکز نیروی کار فنلاند[7] و سایر قوانین و داده‌های این سه کشور گردآوری شده‌اند.

1. Transplant Effect
2. Good Fitting
3. Norwegian Working Environment Act : Arbeidsmiljøloven
4. Social Insurance Institution Of Finland: Kela
5. Sweden Social Insurance Agency: Försäkringskassan
6. The Swedish National Agency For Education
7. Finland Labor Force Center

سیاست‌های جمعیتی سه کشور در مقایسه با یکدیگر

در این بخش قوانین مرخصی، کمک هزینه بارداری و مراقبت از کودک و یارانه مراقبت در سه کشور سوئد، نروژ و فنلاند بیان می‌شود.

قوانین مرخصی

در این کشورها سه نوع مرخصی و مزایا برای والدین ارائه می‌شود. آنچه مخصوص مادران است، آنچه به پدران اختصاص دارد و آنچه به طور مشترک میان آن‌ها قابل تقسیم است. همچنین مرخصی می‌تواند به صورت تمام‌وقت یا پاره‌وقت مورد استفاده قرار گیرد و بخشی از آن بسته به کشور، قابل استفاده تا ۲ سالگی یا هشت سالگی فرزند است.

مرخصی مادران

در سوئد مادر یک دوره ۹۰ روزه مرخصی غیرقابل انتقال دارد که با نرخ ثابت ۱۷٫۵۰ یورو در روز پرداخت شده و می‌تواند در طول ماه، هفته، روز و یا به طور ساعتی مورد استفاده قرار گیرد (Aidukaite& Telisauskaite-Cekanavice, 2020). در فنلاند مادر ۴۰ روز مرخصی زایمان دارد که ۷۰ درصد درآمد وی است. همچنین ۹۰ روز مرخصی مختص مادران با ۸۰ درصد درآمد وجود دارد (Kela,2025). در نروژ مرخصی اجباری مادر ۱۵ هفته با ۱۰۰ درصد پوشش درآمد یا ۱۹ هفته با ۸۰ درصد پوشش درآمد است (Norwegian Working Environment Act, 2025,ch12).

مرخصی پدران

در سوئد، همه پدران شاغل می‌توانند از دو هفته مرخصی پس از تولد فرزندشان، در دو ماه اول استفاده کنند (Swedish Social Insurance Agency, 2025). همچنین، آنها ۹۰ روز مرخصی با پرداخت روزانه ۵۰/۱۷ یورو دارند که می‌توانند آن را به‌صورت ماهانه، هفتگی، روزانه یا حتی ساعتی مصرف کنند (Aidukaite & Telisauskaite-Cekanavice, 2020). در فنلاند، پدران ۹۷ روز مرخصی اختصاصی با ۷۰ درصد درآمدشان دریافت می‌کنند (Kela, 2025). در نروژ نیز، همه پدران، بدون توجه به وضعیت شغلی مادر، ۸ هفته مرخصی والدین دارند (Norwegian Working Environment Act, 2025, ch. 12). نکته مهم این است که بیشتر پدران از «سهمیه پدر» استفاده می‌کنند و تعداد روزهای مرخصی مشترک که پدران می‌گیرند رو به افزایش است، اما همچنان بیشتر مرخصی‌های مشترک را مادران استفاده می‌کنند (Miettinen & Saarikallio-Torp, 2020). به این ترتیب، در سوئد حدود ۸۰ درصد پدران از سهمیه مرخصی مشترک خود استفاده می‌کنند، در نروژ ۷۰ درصد و در فنلاند حدود ۵۰ درصد پدران از این فرصت بهره می‌برند (Miettinen & Saarikallio-Torp, 2020).

مرخصی والدین

در سوئد، هر یک از والدین ۲۴۰ روز مرخصی با حقوق می‌گیرد که برای یک زوج در مجموع ۴۸۰ روز می‌شود. از این مقدار، ۳۰۰ روز را والدین می‌توانند به دلخواه بین خود تقسیم و تا وقتی کودک ۱۲ساله شود، از آن استفاده کنند. میزان حقوق مرخصی به درآمد قبلی و بیمه اجتماعی آن‌ها بستگی دارد و تا ۸۰ درصد حقوق سابق را با حداقل ۳۰/۲۴ یورو در روز پوشش می‌دهد (Sweden Social Insurance Agency, 2025). بیشترین مبلغ ماهانه این مزایا ۲۲/۳۶۰۶ یورو است (Aidukaite & Telisauskaite-Cekanavice, 2020). والدین می‌توانند تا ۶۰ روز را همزمان با هم مرخصی بگیرند. همچنین، تا زمانی که کودک هشت‌ساله شود، می‌توانند ساعات کاری خود را تا ۲۵ درصد کاهش دهند، هرچند بر درآمدشان اثرگذار است. آن‌ها می‌توانند تا ۹۰ روز از مرخصی را به دیگر مراقبان کودک مانند اعضای خانواده، واگذار کنند (Swedish Social Insurance Agency, 2025). والدینی که شغلی ندارند نیز روزانه تا ۳۰/۲۴ یورو دریافت می‌کنند. کارفرمایان هم گاهی با توافق‌های گروهی، حدود ۱۰ درصد از درآمد قبلی کارکنانی که در مرخصی هستند را جبران می‌کنند (Swedish Social Insurance Agency, 2025). در فنلاند، وزارت امور اجتماعی و بهداشت و وزارت کار مسئول مرخصی

والدین هستند. هر والد ۱۶۰ روز کاری کمک‌هزینه می‌گیرد و می‌تواند ۶۳ روز آن را به فرد دیگری بدهد. والدین قادرند تا ۱۸ روز را با هم مرخصی بگیرند. مبلغ کمک‌هزینه ۷۰ درصد درآمد سالانه بین ۱۲۴۵۲ تا ۳۹۱۴۴ یورو است. اگر درآمد سالانه والدین پیش از تولد کودک، کمتر از ۱۲۴۵۲ یورو باشد، حداقل مبلغ ثابت را دریافت می‌کنند (Kela, 2025). والدین تک‌سرپرست می‌توانند از کل ۳۲۰ روز استفاده کنند و تا ۱۲۶ روز را به دیگری واگذار کنند. این مرخصی‌ها تا دوسالگی کودک به‌صورت انعطاف‌پذیر قابل استفاده‌اند (Kela, 2025). در نروژ، مرخصی والدین ۱۲ ماه (۴۸ هفته) است که تحت دو مدل ارائه می‌شود؛ الف) ۱۵ هفته برای هر والد با ۱۰۰ درصد حقوق، یا ب) مجموعاً ۵۸ هفته (۱۹ هفته برای هر والد) با ۸۰ درصد حقوق. بخشی از مرخصی که مشترک است (۱۶ هفته با ۱۰۰ درصد حقوق یا ۱۸ هفته با ۸۰ درصد) می‌تواند به‌طور برابر تقسیم شود یا فقط یکی از والدین آن را بگیرد. علاوه بر این ۱۲ ماه، هر والد برای هر فرزند، یک سال مرخصی اضافی دارد که باید پس از سال اول استفاده شود. والد تک‌سرپرست می‌تواند از هر دو سال استفاده کند. افرادی که از کودک مراقبت می‌کنند نیز ممکن است بتوانند مرخصی بگیرند. والدین همچنین می‌توانند در سه سال اول، مرخصی را به‌صورت پاره‌وقت استفاده کنند (Norwegian Working Environment Act, 2025, ch. 12).

کمک هزینه بارداری

کمک‌هزینه بارداری، مزایایی است که به همه والدین اعطاء می‌گردد. در فنلاند، بر اساس نسخه سال ۲۰۲۴، بسته بارداری شامل ۳۹ نوع محصول و ۱۷۰ یورو پول نقد است. همچنین، مؤسسه بیمه اجتماعی فنلاند برای ۴۰ روز کاری کمک‌هزینه بارداری می‌دهد که میزان آن به درآمد سالانه فرد بستگی دارد، حداقل این میزان، ۹۹/۳۱ یورو در روز بوده و مشمول مالیات است. این کمک‌هزینه را می‌توان تا دوسالگی کودک به‌صورت انعطاف‌پذیر دریافت کرد (Kela, 2025). در نروژ بر اساس داده‌های رسمی سال ۲۰۲۴، والدین هنگام تولد نوزاد یا فرزندخواندگی، یک مبلغ یکجا به میزان ۹۲۶۴۸ کرون دریافت می‌کنند که از مالیات معاف است (Norwegian Working Environment Act, 2025, ch. 12). در سوئد، چنین کمک‌هزینه‌ای وجود ندارد.

مراقبت از کودک و یارانه مراقبت

در سوئد، فنلاند و نروژ، مهدکودک‌ها انواع مختلفی دارند، از جمله مراکز مراقبت روزانه، مراقبت در خانه، مهدکودک‌های شرکتی، فعالیت‌های فضای باز و برنامه‌های بازی. اما نحوه مدیریت، گزینه‌های موجود و میزان پوشش در این کشورها متفاوت است. در نروژ، مهدکودک‌ها به‌صورت دولتی (تحت مدیریت شهرداری‌ها)، خصوصی انتفاعی و غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند. مهدکودک‌های خصوصی همانند مهدکودک‌های دولتی از دولت یارانه دریافت می‌کنند و والدین تنها بخشی از هزینه را پرداخت می‌نمایند. هزینه مهدکودک‌های خصوصی با افزایش درآمد خانواده بیشتر و با تعداد فرزندان کمتر می‌شود. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده که همه کودکان، صرف‌نظر از درآمد خانواده، به مراقبت باکیفیت دسترسی داشته باشند و اغلب، کودکان خانواده‌های کم‌درآمد در اولویت قرار می‌گیرند (Datta Gupta et al., 2006). بر اساس آمار، حدود ۹۲ تا ۹۳ درصد کودکان ۱ تا ۵ ساله در نروژ در مهدکودک ثبت‌نام می‌کنند و این عدد برای کودکان ۳ تا ۵ سال به ۹۷ درصد می‌رسد (Statistics Norway, 2023; Nordic Council of Ministers, 2014). همچنین، در نروژ، حمایت نقدی برای والدینی که کودکان ۱ تا ۲ ساله‌شان را به مهدکودک دولتی نمی‌فرستند، وجود دارد که از مالیات معاف است. کمک‌هزینه کودک هم به همه والدین پرداخت می‌شود؛ در سال ۲۰۲۳، این مبلغ برای هر فرزند تا ۶ سالگی ۱۳۵۴ کرون و پس از این سن، ۱۰۵۴ کرون در ماه بوده است. پرداخت این کمک‌هزینه‌ها تا یک ماه پیش از ۱۸ سالگی کودک ادامه دارد. والدین تک‌سرپرست هم مبلغ اضافی دریافت می‌کنند (Norwegian Working Environment Act, 2025, ch. 12). والدین در فنلاند، پس از پایان مرخصی خود که معمولاً همزمان با ۹ یا ۱۰ ماهگی کودک است، می‌توانند بین مهدکودک عمومی یا ماندن در خانه با دریافت کمک‌هزینه ثابت تا سه‌سالگی کودک انتخاب کنند (Miettinen et al., 2020). شهرداری‌ها مسئول مدیریت مهدکودک‌ها هستند و خانواده‌ها می‌توانند مهدکودک خصوصی با یارانه دولتی را هم انتخاب نمایند. هزینه مهدکودک به درآمد خانواده و تعداد فرزندان بستگی دارد

(Ministry of Education and Culture, 2016). از سال ۲۰۰۰ میلادی، سیاست «حداکثر مالیات» هزینه‌های مهدکودک را محدود کرده است (Swedish National Agency for Education, 2007). در نتیجه، حدود ۴۰ درصد از کودکان زیر ۳ سال و ۸۹ درصد از کودکان ۳ تا ۵ سال در مهدکودک یا مراقبت‌های اولیه ثبت‌نام کرده‌اند (Statistics Finland, 2022). همچنین، مؤسسه بیمه اجتماعی فنلاند کمک‌هزینه کودک ارائه می‌دهد که شامل مبلغ پایه و اضافه برای خواهر و برادر است و به همه کودکان تا ۱۷ سالگی، بدون توجه به درآمد یا شغل والدین، تعلق می‌گیرد. این کمک‌هزینه بر این باور استوار است که کودکان حق دارند از رفاه اقتصادی برخوردار باشند (Ministry of Health and Social Affairs, 2000). در سوئد، علاوه بر مهدکودک‌های دولتی و خصوصی، مهدکودک‌های تعاونی والدین هم وجود دارد که بخشی از سیستم عمومی است و با حمایت مالی شهرداری‌ها اداره می‌شود، اما والدین باید به‌صورت داوطلبانه در مدیریت آن مشارکت کنند (Swedish National Agency for Education, 2016). در سال ۲۰۲۲، حدود ۱۲ درصد مهدکودک‌های سوئد از این نوع بودند (Swedish National Agency for Education, 2022). همه مهدکودک‌ها در سوئد یارانه دولتی دریافت می‌کنند و از سال ۲۰۰۰، سیاست «حداکثر مالیات» هزینه‌ها را بر اساس درآمد خانواده محدود کرده است (Swedish National Agency for Education, 2007). در سال ۲۰۱۶، میانگین هزینه سالانه برای یک کودک ۱۴۴۳۰۰ کرون بود (Swedish National Agency for Education, 2016). کمک‌هزینه مراقبت در خانه در سوئد کم است و تنها ۵/۲ درصد والدین از آن استفاده می‌کنند، زیرا سوئد بر دسترسی همگانی به مهدکودک تأکید دارد. بر اساس قانون مدارس (از ۱ ژوئیه ۲۰۱۱)، شهرداری‌ها باید برای همه کودکان ۱ تا ۵ سال، حتی فرزندان والدین بیکار یا در مرخصی، حداقل ۱۵ ساعت در هفته مهدکودک رایگان فراهم کنند (Swedish National Agency for Education, 2017). حدود ۸۶ درصد کودکان زیر ۳ سال و ۹۵ درصد کودکان بالای ۳ سال از این امکان استفاده می‌کنند (Garvis, 2018). مهدکودک‌ها در سوئد با ساعات کاری انعطاف‌پذیر طراحی شده‌اند و در ۱۲۰ شهرداری، مهدکودک‌های شبانه برای والدینی که در شیفت شب مشغول به کارند، وجود دارد (Garvis, 2018). کمک‌هزینه پایه ماهانه ۹۵۰۳ کرون تا ۱۶ سالگی کودک پرداخت می‌شود و برای فرزندان ۱۶ تا ۲۰ ساله که دانشجوی تمام‌وقت و ساکن خانه هستند، ادامه می‌یابد (Swedish Social Insurance Office, 2024). برخلاف فنلاند، در سوئد کمک‌هزینه اضافی برای والدین تک‌سرپرست وجود ندارد (Lin & Rantalaiho, 2003). مراقبت‌های غیررسمی در سوئد بسیار کم و تنها ۴/۰ درصد است (OECD, 2019).

تفاوت‌ها و تشابهات و وابستگی به مسیر در سیاستگذاری جمعیتی

سیاست‌های اجرا شده در این کشورها به طور خلاصه در جدول ۱ قابل ملاحظه است.

جدول۱ . سیاست‌های جمعیتی کشورهای فنلاند، سوئد و نروژ

نام کشور	مرخصی اختصاصی مادر	مرخصی اختصاصی پدر	مرخصی مشترک	کمک هزینه یکجا در سال ۲۰۲۴	سیستم مراقبت از کودک
فنلاند	۱۶۰ روز – ۶۳ روز قابل انتقال به افراد دیگر	۱۶۰ روز –۶۳ روز قابل انتقال به افراد دیگر	مجموعاً با مرخصی مادر و پدر ۳۶۰ روز: درآمد کمتر از ۱۳ هزار یورو در سال: نرخ ۱۲،۴۵۲ یورو سالانه درآمد بیشتر از از ۱۳ هزار یورو در سال: ۷۰ درصد درآمد حداکثر ۳۹،۱۴۴ یورو سالانه امکان گذراندن ۱۸ روز به صورت همزمان انعطاف پذیر تا ۲سالگی کودک والد تک سرپرست ۳۲۰ روز کامل	۳۹ محصول مختلف و مزایای نقدی ۱۷۰ یورو	مهدکودک‌های دولتی و خصوصی یارانه‌ای و حمایت نقدی از کودکانی که در مهدکودک دولتی ثبت نام نمی‌کنند. وابستگی هزینه مهدکودک به درآمد خانواده و تعداد فرزندان کمک هزینه اولیه ماهانه ۹۰ دلاری برای همه کودکان و مکمل هزینه برای کودکان بیشتر

نام کشور	مرخصی اختصاصی مادر	مرخصی اختصاصی پدر	مرخصی مشترک	کمک هزینه یکجا در سال ۲۰۲٤	سیستم مراقبت از کودک
سوئد	۹۰ روز با نرخ ثابت ۱۷٫۵۰ یورو در روز/ دارای انعطاف	۹۰ روز	۳۰۰ روز، با نرخ ۸۰ درصد حقوق و حداقل نرخ ۲۴٫۳۰ یورو در روز و سقف ۳۶۰۶٫۲۲ یورو در ماه. ۹۶ روز آن برای ۴ تا ۱۲ سالگی فرزند قابل ذخیره است. امکان استفاده ۶۰ روز به صورت همزمان	–	مهدکودک‌های دولتی، خصوصی و تعاونی، حمایت نقدی بسیار محدود
نروژ	۱۵ هفته با پرداخت ۱۰۰ درصد یا ۱۹ هفته با پرداخت ۸۰ درصد پوشش درآمد، سه هفته آخر قبل از زایمان و شش هفته اول بعد از زایمان اجباری و ۹ هفته دارای انعطاف	برای همه پدران، ۱۵ هفته با ۱۰۰ درصد یا ۱۹ هفته با ۸۰ درصد پوشش درآمد	درصورت اشتغال زن به تحصیل یا کار، ۱۶ هفته با پوشش ۱۰۰ درصد درآمد یا ۱۸ هفته با پوشش ۸۰ درصد درآمد و قابل تقسیم بین دو والد/ ۱ سال اضافی برای هر والد، والد تک‌سرپرست ۲ سال کامل انعطاف‌پذیر در ۳ سال اول	۹۲۶۴۸ کرون	مهدکودک‌های دولتی و خصوصی یارانه‌ای و حمایت نقدی از کودکانی که در مهدکودک دولتی ثبت نام نمی‌کنند. وابستگی هزینه مهدکودک به درآمد خانواده مزایای ماهانه برای فرزند تا قبل از ۱۸سالگی (تا سن ۶ سالگی ۱۳۴دلار (۱۳۵۴ کرون) و پس از آن ۱۰۴دلار (۱۰۵۴ کرون) است

منبع: نتایج تحقیق

سیاست‌های نوردیک اغلب همگن در نظر گرفته می‌شوند. با این‌حال، هر کشور نوردیک تاریخ سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی خود را دارد که اساس سیاست های ملی آن‌ها را تشکیل می‌دهد (Einarsdottir, 2006:177). بنابراین در این کشورها هم، نوعی فرهنگ مشترک دیده می‌شود که به سیاست‌های مشابه انجامیده‌است و هم تفاوت‌های فرهنگی که تفاوت در جزئیات سیاست‌ها را رقم زده‌است.

وابستگی به مسیر در مشابهت‌های سیاستی

سوئد، فنلاند و نروژ، سه کشور برجسته منطقه نوردیک، با وجود تفاوت‌هایی در سیاست‌ها و روش‌هایشان، از یک پایه فرهنگی مشترک برخوردارند که از تاریخ، جغرافیا و ارزش‌های اجتماعی این منطقه سرچشمه می‌گیرد. این اشتراکات فرهنگی، که در سنت‌ها، باورها و سبک زندگی مردم این کشورها دیده می‌شود، تأثیر زیادی بر سیستم‌های حمایت از فرزندآوری و مراقبت از کودکان داشته است. در این بخش، این شباهت‌ها با تمرکز بر ارزش‌های مشترک مانند برابری، اعتماد اجتماعی، آموزش و پیوند با طبیعت بررسی می‌شوند.

اصل همگانی‌بودن[1]

مفهوم «همگانی‌بودن» به این معناست که همه شهروندان به‌طور گسترده به خدمات و مزایای اجتماعی دسترسی دارند (Kildal and Kuhnle, 2002). این مفهوم از اواخر قرن نوزدهم مطرح شده و با نوعی عدالت و توزیع مجدد مرتبط است. همگانی‌بودن، با جداسازی منابع اقتصادی و فرصت‌های بازار از منابع مربوط به سلامت، آموزش، فرزندپروری و پیری نشان داده می‌شود. چنین منابعی «نباید تفاوتی ایجاد کنند[2]» و نیازها باید صرف نظر از موقعیت بازار برآورده شوند تا از اشکال کم‌ارزشِ محرومیت اجتماعی–اقتصادی و «رهاکردن مردم روی زمین[3]» جلوگیری شود (Frederiksen, 2017). بر این اساس، قوانین باید به‌گونه‌ای فراگیر تدوین شوند تا امکانات گوناگونی برای انواع خانواده‌ها، از جمله خانواده‌های دارای فرزند بیمار، تک‌والدی، دارای فرزندان چندقلو یا فرزندخوانده، فراهم شود. هر سه کشور سیستم‌های رفاهی خود، مانند مرخصی والدین و کمک‌هزینه‌های

1. Universalism
2. Shouldn't Make A Difference
3. Dopping People On The Floor

فرزند، را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که بدون تبعیض و با هدف کاهش نابرابری عمل کنند. همچنین، مهدکودک‌ها در این کشورها حقی همگانی برای همه کودکان به شمار می‌روند، نه صرفاً خدمتی اختیاری.

برابری اجتماعی

از ویژگی‌های مشترک فرهنگی در این سه کشور، پایبندی به برابری و عدالت اجتماعی است که از تاریخ سوسیال‌دموکراسی و سنت‌های نوردیک سرچشمه می‌گیرد. جامعه‌های روستایی با تفاوت‌های طبقاتی اندک (Baldwin, 1990)، تأثیر اصلاحات پروتستانی در قرن شانزدهم و عوامل مشابه در شکل‌گیری این ارزش نقش داشته‌اند. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با گسترش جنبش‌های کارگری(دهقانی) و برابری‌خواه در منطقه نوردیک، این ارزش تقویت شد. احزاب سوسیال دموکرات راه را به سمت اتخاذ سیاست‌های توزیع مجدد با هدف کاهش اختلافات طبقاتی هموار کردند (Borchorst, 2016). نتیجه این بود که در سیستم نوردیک برابری نه‌تنها یک آرمان، بلکه بخشی از هویت فرهنگی جامعه به حساب می‌آید.

نقش مرکزی دولت و اعتماد بالا به نهادهای عمومی

اعتماد به دولت و نهادهای عمومی در کشورهای سوئد، فنلاند و نروژ ویژگی مشترک دیگری است که بر سیاست‌های خانواده مؤثر است (Aronsson,2010). این اعتماد از تاریخچه طولانی همکاری اجتماعی و شفافیت در اداره این کشورها ریشه گرفته است (Bergh & Bjørnskov, 2011). در این منطقه، دولت نه به‌عنوان نهادی مداخله‌گر، بلکه به‌عنوان شریک خانواده‌ها در پرورش نسل آینده دیده می‌شود. این نگاه موجب پذیرش مالیات‌های بالا و وابستگی والدین به خدماتی مانند مهدکودک‌های دولتی و امکانات رفاهی شده است. برای مثال، درصد بالای کودکان در مهدکودک‌ها (۹۵ درصد در سوئد، ۹۷ درصد در فنلاند و ۹۳ درصد در نروژ) نشان‌دهنده اطمینان خانواده‌ها به کیفیت و امنیت محیط‌هایی است که دولت برای کودکان فراهم می‌کند. همچنین، در سیاستگذاری این کشورها منافع گروه‌های مختلف در نظر گرفته می شود. به‌ویژه در فنلاند، طی چهار دهه گذشته، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های اجتماعی داشته‌اند. این گروه‌ها در تصمیم‌گیری درباره موضوعاتی مانند مالیات، دستمزد، ساعت‌های کاری و برنامه‌هایی که به هماهنگی بین کار و زندگی خانوادگی کمک می‌کنند، مشارکت داشته‌اند. در زمینه سیاست‌های مرخصی والدین نیز، مذاکرات سه‌جانبه بین دولت، کارفرمایان و اتحادیه‌ها نقش کلیدی داشته است (Lammi-Taskula & Takala, 2009; Elomäki et al., 2021).

اهمیت آموزش زودهنگام و اجتماعی‌سازی

آموزش از گذشته در این کشورها اهمیت بسیاری داشته است و به‌عنوان وسیله‌ای برای استقلال و آماده‌سازی برای زندگی اجتماعی ارزشمند شمرده می‌شود (Pratt,2008 نمونه‌هایی در این باره آورده است). به همین دلیل، آموزش و پرورش کودکان از سنین پایین برای رشد آن‌ها ضروری است. این ارزش در برنامه آموزش و مراقبت دوران کودکی (ECEC) دیده می‌شود. برای مثال، در سوئد، مهدکودک نه‌تنها جایی برای مراقبت از کودکان، بلکه بخشی از نظام آموزشی به شمار می‌آید. این موضوع با تأکید بر نقش معلمان و به‌روزرسانی برنامه درسی در سال ۲۰۱۸ به‌وضوح نشان داده شده است (Swedish National Agency for Education, 2018).

ارتباط نزدیک با طبیعت

ارتباط با طبیعت در فرهنگ نوردیک جایگاه ویژه‌ای دارد (Beery, 2011: 6) و در هر سه کشور به‌عنوان بخشی از زندگی خانوادگی و تربیت کودکان شناخته می‌شود. این ارزش ریشه در تاریخ زندگی در مناطق سرد و طبیعی نوردیک دارد، جایی که طبیعت منبعی

برای زندگی و بخشی از هویت و رشد عاطفی به‌شمار می‌آمد. با گسترش شهرنشینی، این ارتباط از طریق فعالیت‌های اوقات فراغت حفظ شده و به‌ویژه در نروژ به یکی از بخش‌های اصلی فرهنگ تبدیل شده است که در زندگی روزمره نمود دارد (Sonck-Rautio, 2021). در نروژ، مهدکودک‌های فضای باز[1] مهدکودک‌های طبیعت[2] مهدکودک‌های هوای باز[3] وجود دارند، اما در مهدکودک‌های سنتی‌تر نیز کودکان زمان قابل توجهی را در فضای باز می گذرانند (Fasting, 2019). در فنلاند، مهدکودک‌های جنگلی رواج دارد (Amus,2013) و در سوئد، بازی در طبیعت بخشی از برنامه درسی است (Änggård, 2010). این رویکرد به کودکان کمک می‌کند تا از سنین پایین با محیط طبیعی ارتباط برقرار کنند.

استقلال و مسئولیت‌پذیری فردی

باور به استقلال فردی و مسئولیت‌پذیری، که با فرهنگ جمع‌گرا هماهنگ شده، در هر سه کشور دیده می‌شود (Klette, 2018). این باور به پذیرش گسترده مهدکودک‌ها کمک کرده است. در فنلاند و نروژ، گزینه‌هایی مانند کمک‌هزینه مراقبت خانگی نشان می‌دهد که والدین مسئول تصمیم‌گیری برای فرزندان خود هستند، اما از حمایت جامعه نیز برخوردارند. از طرف دیگر با اولویت دادن به حقوق کودکان نسبت به حقوق زنان، این کشورها ترکیبی از سیاست‌های رفاهی (مانند دسترسی همگانی و یارانه‌ها)، هدف‌های برابری جنسیتی و ارزش‌های فرهنگی (مانند آموزش زودهنگام، اعتماد به نهادها و استقلال) را در سیستم مهدکودک‌ها به کار گرفته‌اند. این عوامل باعث شده‌اند مهدکودک نه‌فقط یک گزینه، بلکه بخشی ضروری از زندگی خانوادگی و اجتماعی باشد.

سیستماتیک و آینده‌نگری

سیاست‌های ارائه شده در این کشورها، بسته سیاستی کاملی را شکل می‌دهد که اهداف مختلف سیاست‌گذار را شامل می‌شود. برای نمونه این کشورها مهدکودک را نه‌تنها راه‌حلی موقت برای مراقبت از کودکان، بلکه بخشی از یک برنامه کلان برای آموزش، برابری جنسیتی و پیشرفت جامعه می‌دانند و به همین ترتیب برنامه‌ریزی می‌کنند.

ایده زنان قوی و کاری نوردیک

در تاریخ‌نگاری جنسیتی نوردیک، ایده «زن نوردیک قوی، سخت‌کوش و مستقل» به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی مشترک مطرح شده است (Gordon,2006) که به ایده برابری جنسیتی نیز مرتبط است و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مادران از طریق مرخصی زایمان نمونه‌های سیاستی بر اساس آن است. شباهت‌های فرهنگی میان این کشورها، منجر به شکل‌گیری و تصویب و اجرای سیاست‌های جمعیتی مشابه در میان آن‌ها شده که در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول۲ . سیاست‌های جمعیتی مشابه وابسته به ارزش‌های فرهنگی مشترک در کشورهای فنلاند، سوئد و نروژ(منبع: نتایج تحقیق)

ارزش	سیاست
همگانی بودن	تدوین سیاست‌های رفاهی بدون تبعیض و با هدف کاهش نابرابری؛ تدوین قوانین فراگیر برای انواع خانواده‌های تک‌والد، دارای فرزند دوقلو ، فرزندخوانده و ...
برابری و برابری جنسیتی	
نقش مرکزی دولت	مالیات‌های بالا و پذیرش آن، گستردگی مهدکودک‌های دولتی و اعتماد به آن
اعتماد به نهادهای عمومی	
اهمیت آموزش زودهنگام و اجتماعی سازی	فراگیری خدماتی مانند مهدکودک‌های دولتی
زنان قوی و کاری نوردیک	ارائه قوانین مرخصی و حمایت دولتی برای مراقبت از کودکان برای تسهیل حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی
استقلال و مسئولیت پذیری فردی	گسترش مهدهای کودک و ارائه انتخاب بین گزینه‌هایی مانند مراقبت خانگی با حمایت دولت
سیستماتیک و آینده‌نگر	ارائه بسته کاملی از سیاست‌های مکمل یکدیگر با توجه به ارزش‌های فرهنگی

1 . Outdoor Kindergartens
2 . Nature Kindergartens
3 . Open-Air Kindergartens

تفاوت‌های سیاستی

با وجود شباهت‌هایی که در سیاست‌های مرخصی والدین در کشورهای سوئد، نروژ و فنلاند دیده می‌شود، تفاوت‌های مهمی در جزئیات و نحوه اجرای این سیاست‌ها وجود دارد. در ادامه، این تفاوت‌ها با تمرکز بر مدت مرخصی، تقسیم‌بندی بین والدین، انعطاف‌پذیری و حمایت‌های مالی بررسی می‌شوند.

۱. مدت مرخصی و میزان حمایت مالی

سوئد با ۴۸۰ روز مرخصی، طولانی‌ترین دوره را ارائه می‌کند، در حالی که نروژ بین ۳۴۳ الی ۴۱۳ روز و فنلاند حدود ۳۳۴ روز مرخصی ارائه می‌کنند. سوئد و نروژ در زمان‌بندی و پرداخت‌ها انعطاف بیشتری دارند، اما فنلاند با ارائه کمک‌هزینه برای مراقبت در خانه، حمایت طولانی‌تری فراهم می‌کند.

۲. تقسیم مرخصی و برابری جنسیتی

سوئد با اختصاص ۹۰ روز مرخصی غیرقابل‌انتقال به هر والد، بیشترین تأکید را بر برابری بین پدر و مادر دارد. نروژ با ۱۰۵ روز مرخصی برای هر والد، تعادل مناسبی ایجاد کرده است، اما فنلاند (تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۲۱) بیشتر به مادران توجه داشت. همچنین، والدین در سوئد و فنلاند هزینه کمتری برای مهدکودک می‌پردازند، اما برخلاف نروژ، نمی‌توانند این هزینه‌ها را از مالیات کم کنند (Rønsen & Sundström, 2002).

۳. حمایت‌ها پس از مرخصی

سوئد بیشتر بر مهدکودک‌های عمومی تمرکز دارد و گزینه‌های جایگزین محدودی ارائه می‌دهد. فنلاند با ارائه کمک‌هزینه، (که ۴۰ تا ۵۰ درصد والدین از آن استفاده می‌کنند) مراقبت خانگی را تشویق می‌کند. نروژ نیز کمک‌هزینه نقدی دارد، اما تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد والدین از آن استفاده می‌کنند. در نتیجه این حمایت‌ها، ثبت‌نام کودکان یک‌ساله در مهدکودک در فنلاند (۲۹ درصد) بسیار کمتر از سوئد (۵۱ درصد) و نروژ (۶۹ درصد) است. برای کودکان دوساله و بزرگ‌تر، این تفاوت کمتر می‌شود، اما همچنان فنلاند نرخ کمتری از دو کشور دیگر دارد (Nordic Council of Ministers, 2014). در فنلاند، ۴۸ درصد کودکان زیر سه سال و ۳۰ درصد کودکان بزرگ‌تر در مهدکودک‌های خانگی هستند (Mahon et al., 2012). به طور کلی، نرخ استفاده از مهدکودک‌های عمومی در سوئد برای همه سنین بیشتر از فنلاند است (OECD, 2016).

٤. انواع مهدکودک

در سوئد، مهدکودک‌های تعاونی که والدین در اداره آن‌ها مشارکت دارند، بسیار رایج است، اما در فنلاند و نروژ چنین مهدکودک‌هایی به ندرت دیده می‌شود. در ادامه ریشه‌های فرهنگی این تمایزات و زمینه‌های وابستگی به مسیر نشان داده می‌شود.

جدول۳ . سیاست‌های جمعیتی متفاوت وابسته به ارزش‌های فرهنگی متفاوت در کشورهای فنلاند، سوئد و نروژ

کشور	ارزش	تأثیر بر سیاست	نتیجه سیاست‌ها
فنلاند	فردگرایی، خودکفایی و انتخاب	ارزش مسئولیت والدین در قبال کودکان و مراقبت خانگی از کودکان با ارائه کمک‌هزینه مراقبت خانگی امکان انتخاب میان گزینه مهدکودک و یا مراقبت خانگی	– ثبت‌نام ۲۹ درصد کودکان یک‌ساله در مهدکودک – حضور ۴۸ درصد کودکان زیر سه سال و ۳۰ درصد کودکان بزرگ‌تر در مهدکودک‌های خانگی – نرخ اشتغال ۶۵ درصد مادران دارای کودکان زیر ۳ سال – استفاده کمتر از ۵۰ درصد پدران از مرخصی کامل – نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در ۲۰۲۲: ۸۸٪ – نرخ باروری در ۲۰۲۲: ۱,۳
سوئد	برابری جنسیتی، فرهنگ جمع‌گرایانه و اعتماد بالا به نهادهای دولتی	سیستم مرخصی سخاوتمندانه، مهدکودک‌های تعاونی والدین	– ثبت‌نام ۵۱ درصد کودکان یک‌ساله در مهدکودک – ۹۵ درصد پوشش مهدکودک برای کودکان بالای ۳ سال – نرخ مشارکت زنان در نیروی کار ۸۰ درصد – نرخ باروری در ۲۰۲۲: ۱,۵
نروژ	فرهنگ استقلال و طبیعت‌گرایی	سیاست‌های متعادل و عمل‌گرایانه	– ثبت‌نام ۶۹ درصدکودکان یک‌ساله در مهدکودک – استفاده ۷۰ درصد پدران از سهمیه خود – استفاده ۱۰ تا ۱۵ درصد کمک‌هزینه مراقبت در منزل

کشور	ارزش	تأثیر بر سیاست	نتیجه سیاست‌ها
		حمایت مدل دو درآمد- مراقبت‌کننده، از طریق مرخصی والدین با سهمیه پدر در کنار حمایت از مدل تک درآمدی، برای مثال از طریق کمک‌هزینه مراقبت در منزل انتخاب میان مدت زمان و دریافتی در گزینه‌های مرخصی زایمان	- نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در ۲۰۲۲: ۸۷ درصد - نرخ باروری در ۲۰۲۲: ۱,۴

منبع: نتایج تحقیق

وابستگی به مسیر در تفاوتهای سیاستی

سوئد یکی از سخاوتمندانه‌ترین سیستم‌های مرخصی والدین را در جهان ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده تعهد عمیق این کشور به برابری جنسیتی و حمایت از خانواده است (Ferrarini and Duvander 2010) و بیشتر از دو کشور دیگر بر جمع‌گرایی متعهد مانده است. سیاست‌های تشویقی مانند «پاداش برابری جنسیتی» (که در سال ۲۰۰۸ معرفی و بعداً در ۲۰۱۷ حذف شد) در نرخ استفاده بالای پدران (حدود ۸۰ درصد از سهمیه خود) متجلی است که موفقیت این سیستم در برابری جنسیتی را نشان می‌دهد. همچنین اهداف برابری جنسیتی موجب می‌شود نیاز به مهدکودک پس از اتمام مرخصی افزایش یابد. از جهت دیگر دسترسی همگانی به مهدکودک (۹۵ درصد پوشش برای کودکان بالای ۳ سال) و انعطاف‌پذیری مرخصی‌ها (امکان استفاده ساعتی یا پاره‌وقت) موجب شده نرخ مشارکت زنان در نیروی کار به حدود ۸۰ درصد برسد (OECD, 2023) که بالاترین نرخ در بین سه کشور است. در واقع به نظر می رسد فرهنگ جمع‌گرایانه سوئد و اعتماد بالا به نهادهای دولتی، پذیرش مهدکودک‌های عمومی را تسهیل کرده و زنان را قادر ساخته بدون از دست دادن جایگاه شغلی، به کار بازگردند.

فنلاند به فردگرایی و خودکفایی اهمیت می‌دهد و مراقبت خانگی از کودکان به‌عنوان یک ارزش سنتی تلقی می‌شود (Duvander & Ellingsæter, 2016).این ارزش ریشه در تاریخ جوامع کشاورزی دارد که خانواده‌ها خود مسئول تربیت کودکان بودند. این فرهنگ ادامه یافته به نحوی که در سال‌های اخیر در حرکت به سمت یک مسیر «نوفامیلیستی» توصیف شده است (Mahon 2002). فردگرایی را می‌توان در گزینه‌های متنوعی مشاهده کرد که به پدران و مادران اعطا می‌شود تا میان آن‌ها انتخاب کنند. همچنین هنجارهای فرهنگی خانواده محور، مراقبت طولانی‌مدت خانگی از کودکان توسط والدین (به‌ویژه مادران) را ارزشمند می‌داند. لذا پس از مرخصی، کمک‌هزینه مراقبت خانگی (حدود ۳۴۰ یورو در ماه به علاوه مکمل‌ها) تا ۳ سالگی کودک ارائه می‌شود که انعطاف بیشتری به انتخاب‌ها می‌دهد و گزینه‌های خانگی را حفظ کرده است. فرهنگ فردگرایانه فنلاند، پذیرش مهدکودک‌های عمومی را کندتر کرده، زیرا والدین ترجیح می‌دهند خودشان از کودکان مراقبت کنند. در نتیجه این تفکر، نرخ ثبت‌نام کودکان در مهدکودک کمتر از دو کشور دیگر است. همچنین نرخ اشتغال مادران دارای کودکان زیر ۳ سال حدود ۶۵ درصد است که پایین‌تر از سایر کشورهای نوردیک به شمار می‌آید (Finland Labor Force Center,2023). از جهت دیگر اصلاحات ۲۰۲۱ (افزایش سهمیه پدران به ۹۷ روز) استفاده پدران را افزایش داده، اما همچنان کمتر از ۵۰ درصد پدران از مرخصی کامل استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده مقاومت فرهنگی در برابر تغییر نقش‌های جنسیتی سنتی است.

نروژ سیاستی متعادل و عمل‌گرایانه ارائه می‌دهد که با فرهنگ استقلال و طبیعت‌گرایی این کشور هماهنگ است و گزینه‌های متنوعی را برای والدین فراهم می‌کند. نروژ هم از مدل دو درآمد-مراقبت‌کننده، از طریق مرخصی والدین با سهمیه پدر، و از مدل تک درآمدی، برای مثال از طریق کمک‌هزینه مراقبت در منزل، حمایت می‌کند (Rønsen and Skrede 2006). در نتیجه در سیاستگذاری نروژ، هم مشارکت پدران تشویق می‌شود و هم به والدین گزینه‌هایی برای تنظیم زندگی خانوادگی می‌دهد. برای مثال والدین در نروژ می‌توانند بین دو گزینه برای مرخصی انتخاب کنند: ۴۹ هفته با ۱۰۰ درصد حقوق یا ۵۹ هفته با ۸۰ درصد حقوق. سهمیه غیرقابل‌انتقال برای هر والد مشارکت پدران را تضمین می‌کند و بخش مشترک به‌صورت انعطاف‌پذیر قابل تقسیم است. این ساختار، تعادلی بین برابری و انتخاب ایجاد می‌کند. حتی حمایت مالی نیز انعطاف‌پذیر است و پرداخت‌ها بر اساس درآمد

است. والدین می‌توانند مرخصی را به‌صورت تمام‌وقت یا ترکیبی با کار استفاده کنند. در مجموع فرهنگ عمل‌گرایانه نروژ که به انتخاب‌های فردی اولویت می‌دهد و کمتر بر برابری جنسیتی تأکید دارد موجب می‌شود حدود ۷۰ درصد پدران از سهمیه خود استفاده کنند که از سوئد کمتر و از فنلاند بیشتر است. استفاده از کمک‌هزینه نقدی پس از مرخصی نیز محدود (۱۰ تا ۱۵ درصد) و کمتر از فنلاند است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به مطالعه تطبیقی سیاست‌های جمعیتی سه کشور سوئد، فنلاند و نروژ تا سال‌های اخیر پرداخته است و به‌طور جامع سیاست‌های اجراشده در این کشورها را مقایسه نموده است. این پژوهش با مطالعه‌ی ارزش‌های مؤثر بر شکل‌گیری دولت رفاه نشان داد که اشتراکات سیاستگذاری در این کشورها ناشی از ارزش‌های مشترک میان آن‌هاست. توجه به تفاوت‌های سیاست‌های اجراشده، مانند مدت زمان متفاوت سیاست‌ها یا تمرکز آن‌ها بر مهدکودک یا نگهداری کودکان در منزل و از این قبیل، و همچنین مطالعه‌ی تفاوت‌های فرهنگی این کشورها نشان داد که بین این دو نیز ارتباط وثیقی وجود دارد. این ارتباط مؤید نظریه‌ی وابستگی به مسیر و قابل‌تحلیل در چارچوب نظری نهادگرایی است. در این چارچوب، هماهنگی فرهنگ و سیاستگذاری بر موفقیت این کشورها در دستیابی به اهداف سیاستگذاری مؤثر بوده است. اهم نتایج پژوهش به شرح زیر است: ارزش‌های مشترک در میان این کشورها، مانند برابری جنسیتی، اعتماد به نهادهای دولتی، اهمیت آموزش کودکان از سنین پایین و ارتباط با طبیعت، به سیاست‌هایی منجر شده که مراقبت از کودکان، مرخصی والدین و حمایت‌های مالی برای همه‌ی خانواده‌ها را فراهم می‌کند. با اولویت‌دادن به حقوق کودکان نسبت به حقوق زنان، این کشورها ترکیبی از سیاست‌های رفاهی (مانند دسترسی همگانی و یارانه‌ها)، هدف‌های برابری جنسیتی و ارزش‌های فرهنگی (مانند آموزش زودهنگام، اعتماد به نهادها و استقلال) را در سیاست‌های جمعیتی خود به کار گرفته‌اند. سیاست‌ها با همکاری گروه‌های مختلف، مانند والدین و کارفرمایان، طراحی می‌شوند. سوئد بر همکاری جمعی و برابری، فنلاند بر فردگرایی و اهمیت خانواده و نروژ بر عمل‌گرایی و تعادل تمرکز دارد. این تفاوت‌ها در جزئیاتی مانند طول مرخصی، میزان کمک‌های مالی و نوع مراقبت از کودکان دیده می‌شود. این پژوهش اهمیت توجه به عناصر فرهنگی و ارزشی را برای تدوین و اجرای سیاست‌های مختلف، از جمله سیاست‌های رفاهی و جمعیتی، نشان می‌دهد که می‌بایست مورد توجه سیاست‌گذاران باشد. از دیگر موارد می‌توان به اهمیت مشارکت ذی‌نفعان در سیاستگذاری و همچنین مطالعه اثربخشی سیاست‌های گوناگون پیش از اجرا اشاره نمود.

تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

1. Aghaei, Z., Badreh, M., & Sarvi, G. K. (2023). A Comparative Study of Women's Employment Policies in Two Scandinavian Countries (Sweden and Norway) and Two Muslim Countries (Iran and Turkey) (in persian)
2. Aidukaite, J., & Telisauskaite-Cekanavice, D. (2020). The father's role in child care: parental leave policies in Lithuania and Sweden. Social Inclusion, 8(4), 81-91.
3. Amus, G. (2013). An alternative journey into forest kindergartens and the Reggio Emilia approach. Reorientation of teacher education towards sustainability theory and practice, 7(1), 5-25.
4. Änggård, E. (2010). Making use of" nature" in an outdoor preschool: Classroom, home and fairyland. Children, Youth and Environments, 20(1), 4-25.
5. Aronsson, Peter (2010): "Explaining National Museums: Exploring comparative approaches to the study of national museums", Knell, S. J., Aronsson, P. and Amundsen, A., (eds) National Museums: New Studies from around the World, London: Routledge, 29–54
6. Baldwin, P. (1990). The politics of social solidarity: class bases of the European welfare state, 1875-1975. Cambridge University Press.
7. Beery, T. H. (2011). Nordic in nature: Friluftsliv and environmental connectedness.
8. Bergh, A., & Bjørnskov, C. (2011). Historical trust levels predict the current size of the welfare state. Kyklos, 64(1), 1-19.
9. Borchorst, A. (2016). Scandinavian gender equality: Competing discourses and paradoxes. In Gender and well-being (pp. 63-76). Routledge.
10. Datta Gupta, N., Smith, N., & Verner, M. (2006). Child care and parental leave in the Nordic countries: A model to aspire to?

11. Díaz Gandasegui, V., Elizalde-San Miguel, B., & Sanz, M. T. (2021). Back to the future: A sensitivity analysis to predict future fertility rates considering the influence of family policies—The cases of Spain and Norway. Social Indicators Research, 154(3), 943-968.
12. Douglass, C. (1991). Douglass C. North. The Journal of Economic Perspectives, 5(1), 97-112.
13. Douglass, C. (1991). Douglass C. North. The Journal of Economic Perspectives, 5(1), 97-112.
14. Duvander, A. Z., Lappegård, T., Andersen, S. N., Garðarsdóttir, Ó., Neyer, G., & Viklund, I. (2019). Parental leave policies and continued childbearing in Iceland, Norway, and Sweden. Demographic Research, 40, 1501-1528.
15. Duvander, A.; Ellingsaeter, A. 2016. Cash for childcare schemes in the Nordic welfare states: Diverse paths, diverse outcomes. Eur. Soc. 18, 70–90
16. Einarsdottir, J., & Wagner, J. A. (Eds.). (2006). Nordic childhoods and early education: Philosophy, research, policy and practice in Denmark, Finland, Iceland, Norway, and Sweden. IAP.
17. Ekberg, J., Eriksson, R., & Friebel, G. (2013). Parental leave—A policy evaluation of the Swedish "Daddy-Month" reform. Journal of Public Economics, 97, 131-143.
18. Elomäki, A., Mustosmäki, A., & Sandberg, P. K. (2021). The sidelining of gender equality in a corporatist and knowledge-oriented regime: The case of failed family leave reform in Finland. Critical Social Policy, 41(2), 294-314.
19. Fasting, M. L. (2019). Children's right to play: Outdoor play as tradition, and space for children to play in the Framework Plan for Kindergartens. In Playing Outdoors (pp. 14-21). Scandinavian University Press.
20. Ferrarini, T., & Duvander, A. (2010). Earner-carer model at the cross-roads: Reforms and outcomes of Sweden's family policy in comparative perspective. International Journal of Health Services, 40(3), 373-398.
21. Finland Labor Force Center,2023, the employment rate of mothers with children aged under 18 grew by 2.9 percentage points between 2021 and 2023, https://stat.fi/en/publication/cln0594mjl9xu0cutcq51bc6c
22. Frederiksen, M. (2017). Varieties of Scandinavian universalism. Acta Sociologica, 61(1), 3–16.
23. Garvis, Susanne. 2018. Quality employment and quality public servicesQuality of employment in childcareCountry report: Sweden, epsu organization.
24. Gordon, T. (2006). The Nordic approach to the promotion of equality. Scottish affairs, 56(1), 57-68.
25. Hulkko, J. (1979). Population development and population policy in Finland. Finnish Yearbook of Population Research, 15-31.
26. Kela, Social Insurance Institution of Finland. 2025. https://www.kela.fi/on-parental-leave
27. Khairidoust, Z., Momeni, F., Khadem Alizadeh, A., & Amini, A. (2021A). Culture, Formal Institutions and Economic Development. Strategy for Culture, 14(55), 55-80 (in Persian)
28. Kheiridoust, Z., Momeni, F., Khadem Alizadeh, A., & Nasiri, B. (2021B). The relationship between cultural changes and economic development. Iranian Journal of Economic Studies, 10(1), 193-215 (in Persian)
29. Kildal, N., & Kuhnle, S. (2002). The principle of universalism: Tracing a key idea in the Scandinavian welfare model. Annual Conference of the European Social Policy Research Network.
30. Klette, K. (2018). 4 Individualism and collectivism in Nordic schools. Sustainable modernity, 59.
31. Klette, K. (2018). Individualism and collectivism in Nordic schools. Sustainable modernity, 59.
32. Lammi-Taskula, J., & Takala, P. (2009). Negotiating tripartite compromises. In P. Moss & S. Kamerman (Eds.), The politics of parental leave policies. Children, parenting, gender and the labour market (pp. 87-102). Bristol: Policy Press.
33. Lappegård, T. (2010). Family policies and fertility in Norway: Politiques familiales et fécondité en Norvège. European Journal of Population/Revue européenne de Démographie, 26, 99-116.
34. Lin, K., & Rantalaiho, M. (2003). Family policy and social order--comparing the dynamics of family policy-making in Scandinavia and Confucian Asia. International Journal of Social Welfare, 12(1), 2-13.
35. Mahon, R. (2002). Child care: Toward what kind of "social Europe"?. Social Politics: International Studies in Gender, State & Society, 9(3), 343-379.
36. Mahon, R., Anttonen, A., Bergqvist, C., Brennan, D., & Hobson, B. (2012). Convergent care regimes? childcare arrangements in Australia, Canada, Finland and Sweden. Journal of European social policy, 22(4), 419-431.
37. Mahon, R., Anttonen, A., Bergqvist, C., Brennan, D., & Hobson, B. (2012). Convergent care regimes? childcare arrangements in Australia, Canada, Finland and Sweden. Journal of European social policy, 22(4), 419-431.
38. Miettinen, A., & Saarikallio-Torp, M. (2020). Isälle kiintiöidyn vanhempainvapaan käyttö ja sen taustatekijät [Take-up and background factors of father's quota]. Yhteiskuntapolitiikka, 4.
39. Miettinen, A., Salmi, M., Närvi, J., & Lammi-Taskula, J. (2020). Finland. In A. Koslowski, S. Blum, I. Dobrotić, G. Kaufman and P. Moss (Eds.), International review of leave policies and related research 2020 (pp. 244-265). Hagen: Fakultät für Kultur- und Sozialwissenschaften.
40. Miettinen, A., Salmi, M., Närvi, J., & Lammi-Taskula, J. (2020). Finland. In A. Koslowski, S. Blum, I. Dobrotić, G. Kaufman and P. Moss (Eds.), International review of leave policies and related research 2020 (pp. 244-265). Hagen: Fakultät für Kultur- und Sozialwissenschaften.
41. Ministry of Education and Culture, Finland. (2016). Act on Client Fees in Early Childhood Education and Care (1503/2016). https://www.finlex.fi/fi/laki/alkup/2016/20161503
42. Ministry of Health and Social Affairs (2000). Swedish Family Policy. Fact Sheet: 2. January, 2000. Stockholm, Ministry of Health and Social Affairs.
43. Moring, A., & Lammi-Taskula, J. (2021). Parental leave reforms in Finland 1977-2019 from a diversity perspective. Social Inclusion, 9(2), 338-349.
44. Nordic Council of Ministers (2014) Nordic Countries in Figures 2013, Copenhagen: Nordic Council of Ministers
45. North, Douglass, C. (1991). Institutions. The Journal of Economic Perspectives, 5(1), 97-112.
46. Norwegian Working Environment Act, 2025,Ch12, Entitlement to leave of absence, https://www.arbeidstilsynet.no/en/laws-and-regulations/laws/the-working-environment-act/13/.
47. OECD. (2019). OECD family data base. OECD. http://www.oecd.org/social/family/database.htm
48. OECD. 2016. Starting Strong IV: Monitoring Quality in Early Childhood Education and Care; OECD: Paris, France, 2016
49. Pourmohammadi, R. (2024). Comparative Method of Legal Research. Comparative Law Review, 15(2), 409-430 (in persian)
50. Pratt, J. (2008). Scandinavian exceptionalism in an era of penal excess: Part I: The nature and roots of Scandinavian exceptionalism. The British journal of criminology, 48(2), 119-137.
51. Ranjbar, M., Nedaee, A. A., & Heidarpour, M. (2021). Path dependency as a obstacle on the way of correct public policy making; Case study: Iran (in persian)
52. Rønsen, M. (2004). Fertility and public policies-Evidence from Norway and Finland. Demographic research, 10, 143-170.

53. Rønsen, M., & Skrede, K. (2006). Nordic fertility patterns: compatible with gender equality? In A.-L Ellingsæter and A. Leira (eds): Politicising parenthood: Gender relations in Scandinavian welfare state restructuring. Bristol: Policy Press.
54. Rønsen, M., & Sundström, M. (2002). Family policy and after-birth employment among new mothers--A comparison of Finland, Norway and Sweden. European Journal of Population/Revue europeenne de demographie, 18, 121-152.
55. Social Insurance Office, 2002
56. Sonck-Rautio, K. (2021). Nordic and Nature. A JOURNAL FOR NORDIC ETHNOLOGY VOLUME 51.
57. Statistics Finland (2022). Official Statistics of Finland, Population and Society: Education and Culture. Retrieved from https://www.stat.fi/en/statistics
58. Statistics Norway, 2023, Education Statistics,www.ssb.no/en
59. Swedish National Agency for Education(Skolverket). (2007). Statistics on preschool education in Sweden. The Swedish National Agency for Education.
60. Swedish National Agency for Education(Skolverket). (2016). Barn och grupper i förskolan – Statistik & utvärdering. https://www.skolverket.se/statistik-och-utvardering/statistik-i-tabeller
61. Swedish National Agency for Education(Skolverket). (2017). Beskrivande data 2016. Förskola, skola och vuxenutbildning. Stockholm: Skolverket.
62. Swedish National Agency for Education(Skolverket). (2018). Läroplan för förskolan Lpfö 18. (Preschool curriculum). https://www.skolverket.se/sitevision/proxy/publikationer/svid12_5dfee44715d35a5cdfa2899/55935574/wtpub/ws/skolbok/wpubext/trycksak/Blob/pdf4001.pdf?k=4001
63. Swedish National Agency for Education(Skolverket). (2022). Statistics on preschool education in Sweden. Stockholm: The Swedish National Agency for Education.
64. Swedish Social Insurance Agency. (2025). Parental benefits. Swedish Social Insurance Agency. Retrieved from https://www.forsakringskassan.se/privatpers/foralder/nar_barnet_ar_fott/foraldrapenning
65. Windwehr, J., Duvander, A. Z., Ellingsæter, A. L., Eydal, G. B., Humer, Ž., & Nakazato, H. (2022). The Nordic model of father quotas in leave policies: A case of policy transfer?. Social Politics: International Studies in Gender, State & Society, 29(1), 190-214.
66. Zarandi, S. (2024). An Overview of Comparative Research Methods: Theories, Approaches and Perspectives. Comparative Public Administration Quarterly, 1(4), 1-21 (in Persian)